

گریز از همزیستی

۱۸۰ روز بحران بی دولتی در بلژیک



شدت این تنش ها و اختلافات از ماه ژوئن به این سو که باید نخست وزیر جدید این کشور انتخاب می شد، بیشتر شد. طوفی که سیاستمداران بروکسل هنوز نتوانسته اند به یک سوی سیاسی برای انتخاب نخست وزیر دست یابند و در ۶ ماه گذشته این کشور بدون وجود دولت ادامه حیات داده است. مهم ترین مانع تشکیل دولت در این سرزمین چیزی نیست جز این که دو قوم فلاندرزها و والونیایی ها بر سر تعیین حدود استقلال جامعه فلاندرزی به توافق نرسیده اند. در واقع فلاندرزها و به عبارتی فلیمش ها خواهان اختیارات سیاسی گسترده تری هستند. یوزپه آنها گفته اند وظیفه مربوط به مدیریت امور اشتغال در منطقه باید از دست سیاستمداران که از جانب فرانسوی زبان بر آنها تحمیل شده اند خارج شود. اما در این دعوا والونیایی ها نیز خواسته ها و نگرانی های خاص خود را دارند و آنها در هر اسامی نهاد در برابر فلاندرزها به لحاظ سیاسی و مالی شکست بخورد، لذا برای پیشگیری از چنین خطری در پی اصلاحات قوانین کشور و به بیانی دیگر قدرت هستند. فلیمش ها از مزایای منفی پیشترتی برخوردارند در حالی که فرانسوی زبان ها مجبور به تحمل بیکاری هستند.

والونیاییی داشت اما آشکارا از فلاندرزهای هلندی زبان حمایت می کند. حمایت های او باعث شد اندک اندک اختلافات پیش از گذشته شود و والونیایی ها خواستار استغای او از پادشاهی شوند. این بار اختلاف تا جایی پیش رفت که حتی بسیاری از سیاستمداران بلژیکی به این نتیجه رسیدند که عطای در دولت بودن را به نقیض بخشند و جدایی و تجزیه را بهترین راه حل برای مشکل شان دنبال کنند و سرانجام هفته گذشته بیوس لترمزه با گردآوری احزاب مختلف بلژیک آخرین سخن خویش را که چیزی جز هشدار درباره تجزیه و فروپاشی بود به زبان آورد.

بلژیکی ها صاحب ۴ حزب اصلی هستند، فلیمش ها خود دو حزب دارند، دوکرات مسیحی ها و لیبرال ها، والونیایی ها نیز دقیقاً با چنین ترکیبی از دو حزب همدم موکرات مسیحی و لیبرال بر خوراندند که باوجود اسامی مشترک شان دیدگاه های آنها کاملاً در تضاد با یکدیگر است. نکته جالب در دسته بندی های سیاسی و آرایش بلژیک که شکاف دومی و طیفیانه ای در این سرزمین محیق تر کرده آن است که در این کشور نمی توان هیچ حزبی را تحت عنوان ملی پیدا کرد. بیوس لترمزه پس از گرد آوردن ۴ حزب یاد شده برای آخرین بار از آنان خواست تا ائتلاف تشکیل دهند.

طرحی که این مقام سرشناس بلژیک در واقع مهم ترین و شاید مابینگت سازش میان دو قوم متخاصم بود. محورهای طرح عبارت بودند از:

- ۱- باید اصلاحات کامل در قانون اساسی که منشأ اصل اختلاف و اعتراض است صورت پذیرد. (قانون اساسی بلژیک هم اکنون مطابق قانون اساسی فرانسه است. والونیایی های هلندی زبان به قانون حاضر اعتقاد دارند اما فلیمش های فرانسوی زبان خواهان ایجاد اصلاحات در آن هستند. به گمان آنها چنین اگر سئولان و والونیایی نپذیرند، مالیات شرکت ها کاهش اختیار پیشترتی خواهند شد.)
- ۲- اعضا و ماکان هر دو منطقه از امتیاز کاهش مالیات شرکت ها برخوردار خواهند شد (این موضوع پیشترت مورد درخواست فلیمش ها است. سران فلیمش خواهان آن هستند که حتی اگر سئولان و والونیایی نپذیرند، مالیات شرکت ها کاهش یابد.)
- ۳- برای اصلاح و تغییر قوانین دو سوم رای اکثریت نیاز است. (این نیز مورد درخواست فلیمش ها است. ۶۰ درصد فلیمش ها در آن انحاط شود. با وجود این دو طرف فلیمش و لیبرال های والونیایی، بر سر تمامی موارد توافق کردند اما دوکرات مسیحی های والونیایی حاضر به پذیرش این مورد نشدند. مخالفت این حزب سرانجام صبر بیوس لترمزه را بریز کرد

[الله غلامی]
امروز ۱۸۵ روز است که بلژیک در قلب اروپا و با همه آوازه تاریخی و سیاسی اش به عنوان کشوری مدرن و مرکز ناتو بدون دولت به حیات خود ادامه می دهد. بحران سیاسی در این کشوری بیش از شش ماه است که همه امور بزرگترین سازمان های این الملل در بلژیک آن، بروکسل، جای دارد دشوار باشد. اما ماجرای بی دولتی و تجزیه طلبی به همین شکل در این کشور در حال رخ دادن است. بحران کسل سیاسی در این کشور همگسسال اروپایی از آنجا ریشه می گیرد که جمعیت بلژیک به نسبت ۴۰-۶۰ درصد به دو گروه فلیمش ها و فرانکوفن و تقسیم می شود. فلیمش ها که به زبان هلندی تکلم می کنند، در بخش شمال این کشور موسوم به فلاندرز زندگی می کنند و فرانکوفن ها که فرانسوی زبان هستند در بخش جنوبی یعنی والونی سکونت دارند. فلیمش ها با هلندی ها اشتراک فرهنگی دارند و فرانکوفن ها با فرانسوی ها. این دو گروه که اختلافی به اندازه ۱۷۷ ساله بلژیکی دارند فقط به واسطه اختلافات تاریخی و در اثر تصمیمات قانونی زیر سیف یک جامعه جمع شده اند.

تا سال ۱۸۳۰ مکتانی که حالا به واسطه این اختلافات و این سو که باید نامبلوندیتی باشد تبعید شده به بروکسل و باقیان لیگ که در جنوب هلند می زیستند و حاضر به هم راهی هلندی ها نبودند، در کنار یکدیگر مسی به انقلاب زدند و موفق شدند ارتش هلند را از منطقه والونیا و فلاندرز بیرون بیاورند و به زور ساکنان فلاندرز را منقلع خود سازند. این روزها انقلابیون فرانسه در صدد بودند این سرزمین را ملحق به فرانسه سازند اما بریتانیا که آن روز نفوذ عمیق در صحنه اروپا داشت به استقلال این سرزمین رای داده و اعلام کرد که کشور تازه از نام بلژیک مرکب از فرانسوی ها و مهاجر و لیگی ها شکل بگیرد. بر اساس این توافق انگلیسی ها نفوذ هلندی را به منطقه جاری بود، از میان برداشته و فرانکوفن ها را تقویت کرد. به سبب سیاست فرانسه اداره شود. در پایان نیز نام این کشور را بلژیک گذازند که از واژه بلژیکا گرفته شده که در لاتین به معنای هلند است.

به این ترتیب بود که فلاندرزها و والونیایی ها با وجود همه اختلافات فرهنگی، مذهبی و زبانی که با یکدیگر داشتند در کنار هم و تحت یک پادشاهی و یک دولت مرکب از دو سرریک زندگی تازه اما پر اختلاف پدید آمدند. این منازعه که همواره و در طول تمام این سال ها جریان داشته است، مدتی است که به سطح دوئلرمان و احزاب کشیده شده است تا حدی که در تنش های بین دو قوم سهم سیاستمداران بیش از مردم عادی شده است.

دیپلماسی پرنوسان براون



[پرونده عکس / ترجمه حسین قشیری گرمی]

از خلال سخنرانی های گوردون براون در دوران نخست وزیری وی و همچنین اسناد تازه ای که توسط دفتر امور خارجه، و دفتر کابینه، درباره اروپا منتشر شده، می توان دیدگاه های وی درباره نقش انگلیس در جهان را بهتر درک کرد. جهانی که به اعتقاد براون در قرن بیست و یکم جهانی بدون مرز است.

از یک منظر کلان، اهداف و خطوط اصلی سیاست خارجی امنیتی انگلیس، اغلب مشابه همان سیاست های است که توسط دولت بلر، یک سال قبل در اوضاع و شرایط بحرانی ترسیم شد.

با این که به وضوح گفته نمی شود اما سخنان نخست وزیر انگلیس نشان می دهد که بهترین سیاست نگاه دولتمردان امروز لندن، سیاست تعامل و کنش متقابل با کشورهای مشترک المنافع، آمریکا و اتحادیه اروپاست.

اما واقعیت این است که به طور طبیعی، انگلیس جایگزینی برای تمام این سیاست ندارد که قدرت خود را بر پایه اتحاد استراتژیک با کشورهای قرار دهد که دارای همان ارزش های سیاسی - اقتصادی این کشور هستند.

بیستما در آغاز قرن بیست و یکم تمامی جهان همانند نقش این سه مجموعه (اروپا، آمریکا و دول مشترک المنافع) به طرز همگامی در دچار تغییر و تحول شد به طوری که حتی ماهیت این اتحادیه های معمولی را قبل از این سیاست دولت ها بر نایم دو هدف مبتنی بود: رشد اقتصادی و همبستگی اجتماعی. اما از این پس جنبه های سومین نیز به این اهداف اضافه شده است و از رفاه، عدالت و حفاظت از محیط زیست است و در شرایطی که منابع طبیعی به عنوان اصلی قدرت جهانی از دست می آید و کشورهای توسعه یافته در این میان گهرونی بر این سعی کرده است ائتلاف خود را با فرانسه و آلمان نیز تقویت کند.

به همین علت است که امروزه آهنگ مرادوات لندن و واشنگتن متوقف نشده است. در سایه هم راهی انگلیس، آمریکا و اروپا همکاری نزدیک تر بر روی طرح جامعه جهانی نزدیک گروه ۸ پیش گرفته اند. شاید تفاوت باز دولتمردان جدید لندن با سلف شان این باشد که آنها

همزمان لندن در تحولات جهانی دنبال می کند. در بافت جامعه بین المللی لندن دریافت است که ادامه حیات انگلیس و سایر کشورهای با انزوا طلبی تأمین نمی شود بلکه برعکس همکاری برای نوسازی و بازسازی قوانین بین المللی، نهادها و شبکه های تأثیرگذار جهانی لازمه این امر است.

بر این اساس براون در آغاز دولتش کوشید از نوعی همگرایی جهانی سخن بگوید بر ایجاد جامعه جهانی تأکید ورزد که باعث نزدیک و دوری آسان ها از هم می شود. او مدعی شد انگلیس به یک بازیگر جهانی در سطح جهانی است و وظیفه دارد تا پیشنهادها معمولی را برای احیای این ارزش های از دست رفته ارائه کند و مبارزه با فقر و حفاظت از محیط زیست به عنوان پشتوانه های جامعه نوین جهانی محسوب می شوند. اما واقعیت این است که حتی در دوره براون تکرر جهانی لندن از واشنگتن فاصله گرفته است. اتحاد با آمریکا مانند سابق بنای سیاست ائتلاف های امنیتی لندن به شمار می رود. البته در این میان گهرونی بر این سعی کرده است ائتلاف خود را با فرانسه و آلمان نیز تقویت کند.

به همین علت است که امروزه آهنگ مرادوات لندن و واشنگتن متوقف نشده است. در سایه هم راهی انگلیس، آمریکا و اروپا همکاری نزدیک تر بر روی طرح جامعه جهانی نزدیک گروه ۸ پیش گرفته اند. شاید تفاوت باز دولتمردان جدید لندن با سلف شان این باشد که آنها

و وی بلافاصله به کاخ سلطنتی در بروکسل رفت و پس از دیدار با پادشاه از شکست تلاش های خود برای تشکیل ائتلاف سخن گفت و سپس از وی خواست تا پایان مأموریت او را در حل نزاع دو طیفه حاکم بر بلژیک اعلام کند.

پادشاه آلبرت که سومین شاه بلژیک است و در این میان سعی دارد بی طرف عمل کند، تا مدتی این استعفا را نپذیرفت اما روز سه هفته پیش با افزایش اعتراض ها به عملکرد لترمزه، پای استعفا او را امضا کرد و دو روز پس از آن نیز گامی در هوستانه را که پیشتر موفق به تشکیل ائتلاف شده بود، بر جای او نشاند.

اما چنان که ناظران سیاسی گفته اند این اقدام پادشاه نتیجه ای جز تبریح تر شدن اوضاع نداشت است زیرا گامی در هوستانه نیز ادغان داشته که این مأموریت سخت و پر مخاطره است.

واقعت این است که امروز در بروکسل و پایتخت ناتو دو طایفه از سیاستمداران بلژیک پیش از هر چیز به تجزیه این کشور می اندیشند. از همین روست که در چند روز اخیر نقشه جنگ و بیخند و جدایی و تجزیه را بهترین راه حل برای مشکل شان دنبال کنند و سرانجام هفته گذشته بیوس لترمزه با گردآوری احزاب مختلف بلژیک آخرین سخن خویش را که چیزی جز هشدار درباره تجزیه و فروپاشی بود به زبان آورد.

بلژیکی ها صاحب ۴ حزب اصلی هستند، فلیمش ها خود دو حزب دارند، دوکرات مسیحی ها و لیبرال ها، والونیایی ها نیز دقیقاً با چنین ترکیبی از دو حزب همدم موکرات مسیحی و لیبرال بر خوراندند که باوجود اسامی مشترک شان دیدگاه های آنها کاملاً در تضاد با یکدیگر است. نکته جالب در دسته بندی های سیاسی و آرایش بلژیک که شکاف دومی و طیفیانه ای در این سرزمین محیق تر کرده آن است که در این کشور نمی توان هیچ حزبی را تحت عنوان ملی پیدا کرد. بیوس لترمزه پس از گرد آوردن ۴ حزب یاد شده برای آخرین بار از آنان خواست تا ائتلاف تشکیل دهند.

طرحی که این مقام سرشناس بلژیک در واقع مهم ترین و شاید مابینگت سازش میان دو قوم متخاصم بود. محورهای طرح عبارت بودند از:

- ۱- باید اصلاحات کامل در قانون اساسی که منشأ اصل اختلاف و اعتراض است صورت پذیرد. (قانون اساسی بلژیک هم اکنون مطابق قانون اساسی فرانسه است. والونیایی های هلندی زبان به قانون حاضر اعتقاد دارند اما فلیمش های فرانسوی زبان خواهان ایجاد اصلاحات در آن هستند. به گمان آنها چنین اگر سئولان و والونیایی نپذیرند، مالیات شرکت ها کاهش اختیار پیشترتی خواهند شد.)
- ۲- اعضا و ماکان هر دو منطقه از امتیاز کاهش مالیات شرکت ها برخوردار خواهند شد (این موضوع پیشترت مورد درخواست فلیمش ها است. سران فلیمش خواهان آن هستند که حتی اگر سئولان و والونیایی نپذیرند، مالیات شرکت ها کاهش یابد.)
- ۳- برای اصلاح و تغییر قوانین دو سوم رای اکثریت نیاز است. (این نیز مورد درخواست فلیمش ها است. ۶۰ درصد فلیمش ها در آن انحاط شود. با وجود این دو طرف فلیمش و لیبرال های والونیایی، بر سر تمامی موارد توافق کردند اما دوکرات مسیحی های والونیایی حاضر به پذیرش این مورد نشدند. مخالفت این حزب سرانجام صبر بیوس لترمزه را بریز کرد

افزایش نرخ سود سپرده های بانک سامان
به نسبت پنجمین سال، اندک آری اولین وکالترین اینترنت بانک ایران

بالاترین نرخ سود سپرده های بلندمدت
بهر هندی از خدمات اینترنت بانک و کارت پول بانک سامان به صورت رایگان
بهر هندی از کارت اعتباری سامان

پراخت سود در مقطع زمانی

سپرده ی بلندمدت ۳ ماهه	سپرده ی بلندمدت ۶ ماهه
۱۷/۲۵%	۱۷/۴۰%

سپرده ی بلندمدت ۱ ساله
سپرده ی بلندمدت ۳ ساله

سپرده ی بلندمدت ۱۸ ماهه

۱۷/۳۵%

بافتح سپرده ی بلندمدت در بانک سامان از تمامی امین مزایا بهره مند شوید.
تا پایان سال جاری مهلت دارد...

بانک سامان
www.sb24.ir
مرکز ارتباط با مشتری: ۰۲۱-۴۴۹۹۰۰۲۰